

# منشکره نست ۴۴

جذب کمیونست کارگری - حکمتیست

۱۹ شهریور ۱۳۸۹

۱۰ سپتامبر ۲۰۱۰

خالد حاج محمدی

## تحریمها را "دور میزنیم"

دور زدن تحریمها گفته خامنه ای در نشست چند روز قبل با بخشی از مدیران مراکز تولیدی است. این گفته که از جانب روسای دولت به شیوه های مختلف بیان میشود، حقایق را در برد دارد و آن اینکه بار اصلی فشار تحریم نه بر نولت و صاحبان قدرت، بلکه بر سر طبقه کارگر و اقشار محروم جامعه است. تا جایی که به قدرت حاکمه برگردد، اعمال تحریم و فشارهای آن را به مردم منتقل میکند و تحریم و جنگ و جدال قدرتی که حول آن از هر طرف ایجاد شده است، فرجه ای را برای جمهوری اسلامی ایجاد کرده است که به فضای جنگی در جامعه دامن بزند و اختناق بیشتری را به بهانه این اوضاع تحمیل کند. لذا به این صورت جمهوری اسلامی تحریمها را دور میزند و طبقه کارگر و اقشار محروم جامعه باید توان آن را پس دهند.

در همین نوره اخیر و با اعمال تحریمهای جدید علیه ایران، جامعه شاهد گرانی روز افزون قیمت اقلام اولیه و ضروری زندگی از نان تا شیر و گوشت و مواد سوختی و دارو و ... هستند. در جامعه ای که میتوان در عرض یک ماه قیمت نان را ۵۰۰ درصد افزایش داد، قیمت مواد سوختی را ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد افزایش داد، شیر و گوشت و بخش زیادی از مواد مصرفی را بیش از ۱۰۰ درصد افزایش داد، و

صفحه ۲

جمال کمانگر

طبقه کارگر فرانسه:

بردگی مزدی؟ نه نه!

کار بیشتر؟ نه نه!

خبر گزاری فرانس پرس با انتشار عکسی از اعتصاب میلیونی روز سه شنبه در پاریس و با زیر نویسی با این مضمون: "روح انقلاب:

کارگر فرانسوی با برافراشتن سر جدا شده روی سرنیزه ای به سبک انقلاب ۱۷۸۹ در اعتصاب پاریس رژه رفت."

بورژوازی در سطح گسترده تلاش میکند که پیامدهای بحران اقتصادی را روی سر طبقه کارگر سرشکن کند اسم رمز این حمله وحشیانه به دستاوردهای طبقه کارگر در سطح جهانی این روزها "رفرم" نامیده میشود. اما در پس این عوامفریبی تلاشی است برای سودآوری بیشتر سرمایه و باز پس گیری دست آوردهای تاکتونی طبقه کارگر در سطح بین المللی!

پوزش از یک پرده

برداری



ثریا شهابی

بنیال انتشار مطلبی از من تحت عنوان "ظفرمندان جنگ سرد و حقوق بشر" و متعاقب آن مصاحبه رادیو شبکه زنان در این مورد، آقای اسفندیار کسرابی از نزدیکان حککا، مچگیرانه "مشت من" و حزب حکمتیست را در نیویورک به کمپین سیاسی ایشان، باز کرده اند. من عمیقاً به استقبال این جدل نخواستم میروم، به این خاطر که پشت این "نقد" حقایق مهمتری از کمپین آقای کسرابی وجود دارد. موضوع چی است؟

کمپینی در اعتراض به مجازات شلاق، شکنجه و حکم سنگسار زنی، براه افتاده است. آگاهانه می گویم زنی! به خاطر نگذاشتن "استخوان لای زخم" خانواده قربانی، برای کنار زدن فشار "اخلاقی"، و به منظور امکان دادن به خوانندگان که بدون گروگرفتن احساسات انسانی آنها برای تحمیل انتخاب های سیاسی از پیش تعیین شده، اجازه میخوام از بردن نام کبس و جزئیات مربوط به آن خودداری کنم. این کار لازم است تا در و دروازه

"رندی" و "زکوات" استفاده از مصائب و دردهای مردم، و "مقدسات تراشی" از آنها برای صحنه گذاشتن بر مواضع سیاسی را، بست. همتاطور که راه استفاده احمدی نژاد از مصائب و دردهای کودک فلسطینی، استفاده جرج بوش و دستجات



Revolutionary spirit: A French worker harks back to 1789 with a model of a head on a pole during a strikers' march in Paris

فشار و تعرض بورژوازی برای بازپس گیری دستاوردهای طبقه کارگر در فرانسه یکی از عرصه هایی است که دولت دست راستی سارکوزی برای هماهنگی و نشان دادن قابلیت خود در سرکوب و عقب راندن طبقه کارگر دست به "رفرم" در قوانین مربوط به سن بازنشستگی زده است. سال گذشته که زمزمه تغییر سن بازنشستگی بود بیش از یک میلیون نفر در خیابانهای پاریس و اکثر شهرهای فرانسه دست به مارش خیابانی زدند.

اعتراض میلیونی روز سه شنبه ۷ سپتامبر

عشیرتی و قومی کرد از فاجعه حلبچه، و بهره برداری طالبان از نسل کشی های دولت آمریکا، برای تحمیل انتخاب های سیاسی آنها، را باید بست.

ماجرای از این قرار است:

دولت بریتانیا درست همزمان با محکوم کردن ایران به اصطلاح به خاطر کبس شکنجه و نقض حقوق بشر، رسماً در رسانه ملی و رسمی خود اما این بار نه خطاب به فارسی زبانان مهاجر مجنوب زبیلی "دمکراسی و لیبرالیسم غربی" در اپوزیسیون، که خطاب به خود مردم بریتانیا اعلام کرد که شکنجه که سهل است استفاده از بمب اتم هم برای دولت بریتانیا به منظور "حفظ امنیت" و "کشف اسرار" قابل توجه است. رسانه رسمی نولت بریتانیا بار دیگر ابزار ارعاب دیگری، ابزاری که این روزها نولت غربی به وفور در مقابل مردم و طبقه کارگر سیقل میدهند، را به نمایش گذاشت تا بیش از پیش مردم را بترسانند و به سیاست های سوپر راست این نولت "مکرمه" گردن بگذارند. البته در حاشیه هم تحت نام "دفاع" از مردم ایران و عراق و افغانستان و پروژهای جهانی امن سازی به شیوه عراق و افغانستان، و به

نشست دفتر سیاسی حزب

کمیونست کارگری - حکمتیست

صفحه ۴

خالد حاج محمدی

گرامی باد یاد رفقا غلام کشاورز

و صدیق کمانگر

صفحه ۲

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## کارگران جهان متحد شوید!

در حالی صورت گرفت که ظرف یک سال اخیر جهان شاهد گسترش اعتصابات و اعتراضات خیابانی طبقه کارگر بوده است. تغییر سن بازنشستگی از ۶۰ به ۶۲ سال فقط ظاهر قضیه است. قانون فعلی سن بازنشستگی را برای زن و مرد ۶۰ سالگی اعلام کرده است. برای دریافت مزایای کامل بازنشستگی باید تا سن ۶۵ سالگی منتظر باشند و ۴۰ سال و ۶ ماه هم بیمه بازنشستگی پرداخت کرده باشند. دولت سارکوزی در تلاش است که سن بازنشستگی را به ۶۲ سال و هرکس که بخواهد از حقوق بازنشستگی کامل برخوردار باشد باید ۴۱ سال و ۶ ماه بیمه بازنشستگی پرداخت کرده باشد. دولت سن بازنشستگی را به ۶۲ سال و هرکس که بخواهد از حقوق بازنشستگی کامل

برخوردار باشد باید ۴۱ سال و ۶ ماه بیمه بازنشستگی پرداخت کرده باشد. دولت میگوید" با این کار سالانه ۷۰ میلیارد یورو پس انداز خواهد کرد".

تصور این رقم نجومی که قرار است از میزان دسترسی طبقه کارگر به نعمات تولید شده خود کسر شود وحشتناک است. این رقم قرار نیست از بودجه نظامی یا لشکر کشی به سایر نقاط جهان کسر شود! این رقم قرار نیست از سرمایه داران گرفته شود. قرار است رفاه و آسایش نسبی میلیونها کارگر را در فرانسه وجه المصلحه

صفحه ۲

مبارزه سیاسی و اقتصادی طبقه

کارگر

بخشهایی از سخنرانی منصور حکمت در کنگره سوم (مهر ۱۳۷۹) صفحه ۳

بهانه صدور دمکراسی، طبقه کارگر را سرکیسه و بر سر قدرت با دولت مرتجعی چون جمهوری اسلامی کلنچار رود.

در این مطلب من تلاش کرده ام که بار دیگر ریاکاری دول غربی و بیگانگی شان با "حقوق بشر"، بخصوص آنجا که موضوع کار آنها نه شهروندان "جهان سوم" که خود مردم در غرب است، را نشان دهم و استفاده تاریخی - ابزاری "آزادیخواهی بورژوازی" را یادآوری کنم. من از منتقد مهاجرم که برای خود در غرب سهم بیشتری از پیوستن به لشکر اعتصاب شکنان قائل نیست، نخواستم ام که خود و حزیش به کمپین من بیبویند. اما گفتن این حقایق، کمپینر "مهمان" ما را که "رهایی" ملت خود را به هر قیمت، در نوقدمی کمپین اش میبیند، برآشفته کرده است که الان وقت گفتن آن حقایق نیست! چرا قدر نوازش های ملت

صفحه ۴

## تحریمها را "دور"...

جامعه زیر خط فقر زندگی میکنند، در همین جامعه و در همین دوره درآمد بخشی از امکانات پزشکی و دارو تا حدی کمیاب گران شده است که بخش محترم در اتاق بازرگانی ایران تا اعظم مردم از استفاده از آن محروم باندهای اقتصادی سپاه پاسداران و شده اند، معلوم است شخص اول رفسنجانی و بیت رهبری و... از هر مملکتش میتواند مدعی دور زدن زمان بیشتر شده است. در همین دوره تحریمها شود. و رو به جامعه و در مقام وزیر نیروی این مملکت روز روشن "رئیس و مسئول مملکت" و دولت و در مورد خصوصی سازی و اجرای مجلس و امام و سخنگو، از قول جامعه اصل ۴۴ و واگذاری نیروگاههای اعلام کنند که از عهده آن بخواهند آمد انرژی به بخش خصوصی اعلام میکند و رو به مردم بگوید که "دشمنان ملت که دولت در قبال هر نوع زیان به میخواهند فشار اقتصادی ناشی از بخش خصوصی خود را مسئول دانسته تحریم را به پای دولت بنویسند" و با و آن را جبران خواهد کرد". احمدی این ادعا دولت خود را از زیر تیغ نژاد مدعی است که تحریمها باعث اعتراض خلاص کند.

فشار اعمال تحریمها کمر مردم محروم را شکسته است. اما این فشار تنها بدلیل تحریم نیست، بلک درست در این زمان که همزمان تهدید نظامی و خطر جنگ علیه ایران زنده شده است، دولت فرجه ای یافته تا سایر برنامه های خود را که سالهاست پرونده آن را از ترس

عوارض اجرای آن در میان مردم بلیگانی کرده را زنده و به اجرا در آورند. قطع سوبسیدها که از محل اجرای آن میلیاردها دلار از جیب مردم خارج و به جیب دولت خواهد رفت نیز بخشی مهمی از ماجرای تورم بالایی است که فضای جامعه ایران را گرفته است. تحریم علیه ایران جدا از اینکه

اسلحه کشتار بدست دول غربی علیه مردم است، در همان حال فرجه ای برای جمهوری اسلامی فراهم کرده است که به بهانه تحریم و فضای جنگی و خطر حمله بیگانه، تعرض وسیع بورژوازی ایران به معیشت طبقه کارگر و اقشار تهیست را اجرا کند.

اگر تحریم و فضای جنگی نبود، اگر در آمریکا و فرانسه و انگلستان و آلمان و .. شاهد فشار جدی دولتهای بورژوائی جهت پس گرفتن ابتدائی ترین دستاوردهای طبقه کارگر از اخراج و زدن دستمزدها تا زدن بیمه های اجتماعی و درمانی تا بالا بردن سن بازنشستگی نبودیم، روسای جنایتکار جمهوری اسلامی نمیتوانستند به این راحتی بار تحریم را بر دوش طبقه کارگر و مردم ستمنیده بیندازند، و در روز روشن به چشمان این مردم نگاه کنند و توان "نور زدن تحریم" را به قیمت گرسنگی کودکان ما و اخراج و بیکارسازی و گرانی به رخ جامعه بکشند.

در جامعه ای که بحث از بیش از ۴ میلیون بیکار است، و ۸۰ در صد بخش شاغل طبقه کارگر در اصلی ترین مراکز تولید قرارداد موقت دارد و از تامین شغلی خبری نیست، که بخش اعظم طبقه کارگر و اقشار کم درآمد

## طبقه کارگر فرانسه....

سود آوری سرمایه قرار دهند.

اعتصاب ۲۴ ساعته روز سه شنبه همزمان بود با اعتصاب ۲۴ ساعته ترانسپورت لندن که پیام قاطع طبقه کارگر را به گوش دولتهای بورژوازی رساند.

طبق گفته برگزار کنندگان مارش و اعتصاب عمومی نیروز در پاریس بیش از دو و نیم میلیون نفر در آن شرکت کرده بودند. تمام رهبران اتحادیه های کارگری در صف اول این اعتراض بودند. کارگران معترض شعار میدادند: "بردگی مزدی؟ نه نه نه!"، "کار بیشتر؟ نه نه نه!" و "فرم عادلانه؟ بله بله"

رهبران اتحادیه های کارگری گفتند که اگر دولت پاسخ مناسب و قانع کننده ای ندهد اعتصاب و اعتراضات خیابانی بیشتری در پیش است.

رهبر بزرگترین اتحادیه کارگری فرانسه ژان پیر برنارد تاییدت گفت: "اگر آنها پاسخ ندهد و توجه نکنند اعتراضات به دنبال خواهد آمد. و در این مقطع هیچ چیزی مانع حرکات ما نیست"

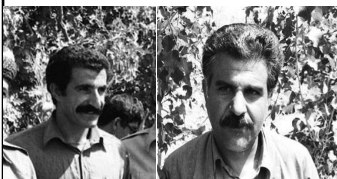
بخشهای مختلف طبقه کارگر در فرانسه زیر فشار دولت برای بیکارسازی و اخراج دست جمعی است، معلمین راهنمایی هم در فرانسه به اعتصاب پیوستند و اعتراض خود را به کاهش ۷ هزار شغل در بخش آموزش اعلام داشته اند. اعتصاب روز سه شنبه خطوط حمل و نقل، پروازها و بخش زیادی از مدارس و دانشگاهها و سایر مراکز کارگری و خدمتی را همراه خود داشت.

طبقه کارگر در سطح جهان مورد تعرض هار بورژوازی قرار گرفته است. این جدال هر روز حادتر خواهد شد و ما شاهد اعتراضات و اعتصابات گسترده در سطح جهان خواهیم بود. کارگران سنگرهایی را با تلاش و قربانی دادن از بورژوازی فتح کرده بودند. اما در دوره بحران تعرض سرمایه برای بالابردن نرخ سود و پایین نگه داشتن دستمزد و سایر مزایای کارگران، جنگی تمام عیار است که همزمان با بحران اقتصادی شروع شده است. اینکه طبقه کارگر سلاحی جز تشکل و سازمان ندارد سلاهست مورد تاکید قرار گرفته است. اما امروز از نان شب واجبتر است. برای حفاظت از دست آوردهای تاکتونی و برای تعرض به کل بورژوازی کارگران باید در حزب کمونیستی خود متشکل شوند.

## خالد حاج محمدی

## گرامی باد یاد رفقا غلام

## کشاورز و صدیق کمانگر



صدیق کمانگر غلام کشاورز

چهارم شهریور ۱۳۶۸ بهمن جوانی (غلام کشاورز) چهره برجسته و شناخته شده جنبش کمونیستی ایران، زمانی که برای نیدار بستگان خود به قبرس رفته بود، توسط جمهوری اسلامی ترور شد. بعد از ترور غلام کشاورز، در تاریخ ۱۳ شهریور همان سال صدیق کمانگر چهره برجسته جنبش کمونیستی ایران و از رهبران با نفوذ و محبوب کمونیست در کردستان، در یکی از اردوگاههای کومه له در کردستان عراق توسط عوامل جمهوری اسلامی ترور شد. غلام کشاورز و صدیق کمانگر از اعضا رهبری وقت حزب کمونیست ایران بودند. ترور این رفقا ضایعه بزرگی برای جنبش کمونیستی و طبقه کارگر ایران بود. طبقه کارگر با این اتفاق دو رهبر آگاه و مصمم خود را از دست داد. اکنون ۲۱ سال از آن تاریخ میگذرد و هنوز چهره محبوب و عزیز این رفقا، نقش و جایگاه مهم آنها، و یاد عزیزشان در خاطره همه ما، در خاطره همه کسانی که آنها را میشناختند زنده است. غلام کشاورز و صدیق کمانگر از پیشقراولان مبارزه کمونیستی طبقه کارگر ایران برای آزادی و برابری، برای سوسیالیسم بودند.

پرچمی که این رفقا در دفاع از آزادی و برابری انسان برداشتند، اکنون از جانب هزاران زن و مرد و جوان کمونیست، در دست نسلی از کمونیستهای طبقه کارگر در اهتزاز است. روزی که صف ما بتواند نیروی خود را، صف آگاه طبقه کارگر و انسان برابری طلب را به میدان آورد، روزی که شعار آزادی برابری حکومت کارگری از مراکز کار و خیابانهای تهران بلند شود، آن روز یاد این رفقا و هزاران کمونیست دیگر را با بگور سپردن جمهوری اسلامی و به اهتزاز در آوردن پرچم سوسیالیسم در میدانی شهرها جشن خواهیم گرفت.

گرامی باید یاد عزیز رفقا غلام کشاورز و صدیق کمانگر.

## زنده باد جمهوری سوسیالیستی

## مبارزه سیاسی و اقتصادی

### طبقه کارگر

بخشهایی از سخنرانی منصور حکمت  
در کنگره سوم حزب کمونیست  
کارگری ایران (مهر ۱۳۷۹)

۱- در ایران امروز مبارزه طبقه کارگر، بنا به ماهیت شرایط سیاسی است

در رابطه با این بحث میخواستیم به چند نکته تاکید کنیم. در شرایطی که آنتن بشقابی سیاسی است، صیغه سیاسی است، مسابقه فوتبال سیاسی است، مبارزه بر سر دستمزد اقتصادی نمیباشد. و در جامعه ایران که این بی ثباتی هست و جمهوری اسلامی با این معضلی که دارد هر اعتصاب کارگری نهایتاً اعتصابی است در رابطه با حکومت و برای همین است که فوری سپاه سراغ اعتصاب میروند. اتحادیه کارفرمایان با آن اعتصاب روبرو نمیشود، سپاه پاسداران با آن روبرو میشود، کمیته ها میروند و میکشند، میزنند، شلیک میکنند در مبارزه ای که برای حقوق معوقه است.

در ایران امروز مبارزه طبقه کارگر، بنا به ماهیت شرایط سیاسی است. بطور کلی مبارزه اقتصادی طبقه کارگر در جامعه کاپیتالیستی تقابل سیاسی در جامعه را نشان میدهد. ولی اینجا یعنی اخص کلمه این مبارزه به سرنوشت این حکومت مربوط میشود. اگر با یک جنبش اعتصابی سراسری روبرو بشوند، میافتند، مساله بهمین سادگی است، حتی اگر طرف فقط دستمزدش را بخواهد، و لازم نیست الزاما بگوید "آزادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه"، یا چیز دیگری، تا سیاسی شده باشد. همینکه بگوید من دستمزد را میخواهم و سر کار نمیروم، کافیتست که جمهوری اسلامی به لبه پرتگاه سقوط نزدیک شود. در نتیجه ما نباید زیاد نگران این باشیم که چرا مثلاً کارگران در مبارزه علیه سلطنت شعار آزادی وکلای زندانی را ندادند. ما از نظر استراتژی حرکت جنبشمان نباید نگران این باشیم. میشود گفت که اگر میگفتند نشان دهنده رشد آگاهی سیاسی و توجه کارگر به صحنه سیاسی است، در این شکی نیست. ولی من و شمائی که نشسته ایم روند اوضاع را بررسی میکنیم، اعتصاب صنعت نفت اگر سر اضافه کاری باشد، سر حقوق و سر دستمزد باشد و صنعت نفت را بخواهند، از نظر استراتژی حرکت جنبش علیه جمهوری اسلامی عملاً یک تأثیر را دارد. اینکه اصرار کنیم که کارگران حتماً شعارهای سیاسی بدهند و در رابطه با ختمی اظهار نظر کنند، این بنظر من در رابطه با جنبش کارگری یک درجه ای تحمیل ذهنیت یک فعال سیاسی به یک جنبش واقعی است. جنبش زنان هم نمیاید بگوید

خاتمی یا خامنه ای برود یا نرود، میگوید حجاب اجباری را لغو کنید، و همین یک جمله جمهوری اسلامی را نابود میکند. در نتیجه بنظر من تلاش بیش از حد برای سیاسی کردن طبقه کارگر، یعنی تلاش نمایشی برای سیاسی کردن طبقه کارگر، نباید کرد. کارگر وقتی خودش به این مرحله برسد که قدرت را در دسترس ببیند و فکر کند میشود رفت، همه این بحثهای اقتصادی اش را کنار میگذارد و میگوید حکومت بدست ما، یا همه حکومت به شوراها، یا زنده باد حزب کمونیست کارگری یا جنبش کمونیستی کارگری. ولی الان که داریم نگاه میکنیم به دانشجویها، تحکیم وحدت در خرم آباد جلسه دارد، مثل این است که صنعت نفت هم اعتصاب خودش را بکند.

راجع به قدرت کارگر در ذهنیت یک کمونیست، طبقه کارگر پدیده عظیمی است، فکر میکنیم قویست، فکر میکنیم که میتواند همه چیز را تغییر بدهد. واقعیتش هم اینست که در یک چهارچوب عمومی تاریخی اینطور است. ولی معنی اش این نیست که هر کارگری توی خانه احساس قدرت میکند، چون کارگر است فکر میکند دولت ازش میترسد، یا فکر میکند چون ما کارگریم جلو ما عقب خواهند نشست. بیشترین خشونت را علیه طبقه کارگر میکنند، بیشترین شلیک را به او میکنند. اتفاقاً برعکس است. دانشجویان، روشنفکران، اتحادیه پزشکان، با اتحادیه فارغ التحصیلان است که میگوید من را نمیتوانند کاری بکنند. چون میگوید اگر من را بگیرند، در خارج کشور جنبش دوم خرداد به همه وکلای جهان خبر میدهند. موقعی که یک رهبر تحکیم وحدت را میگیرند بی بی سی میگوید، اما در آن فاصله معلوم نیست چند تا رهبر اعتصابی اعتراضی کارگری را گرفتند، برزند، زند، آوردند تحویل دادند، اسمش را کسی نمیدانند. در نتیجه اینطور فکر نکنید که کارگر بنا به تعریف، خودش هم احساس قدرت میکند. چون در روند تاریخی جامعه است، چون در روند تاریخی قدرت جنبش آزادیخواهی را نمایندگی میکند، هر کارگری توی خانه خودش هم احساس قدرت میکند و به کارگر نمیتواند دست بزنند. اینطور نیست. برعکس است. در جامعه کاپیتالیستی به بچه های بورژوا نمیتواند دست بزنند، خیلی نمیتواند با صاحبان کارخانه ها خشونت بکنند، مجبورند برسمیت شان بشناسند و با آنها کنار بیایند. ولی کارگر را میزنند. آنچه که ما به آن قدرت طبقه کارگر میگوییم باید بمعنی بالفعل از درون پتانسیل موجود بوجود بیاید...

۲- جنبش مجمع عمومی فقر و ناامنی کارگر را محافظه کار میکند. کارگران در زمان شاه میتوانستند اعتصاب بکنند برای اینکه نسبتاً وضع اقتصادی و رفاهیشان خوب بود. یعنی اینکه میتوانست بگوید من میتوانم دو ماه این جیب و آن جیب بکنم و یک کاری بکنم که اعتصاب را ادامه بدهم. اما الان انتظار یک اعتصاب سه هفته ای از کارگری که حقوق همین امروزش را هم ندارد اشتباه است و این بشدت کارگران را محافظه کار میکند. در نتیجه وظیفه جنبش کمونیستی اینست که نسبت به این پدیده استراتژی روشنی داشته باشد. چطور میباید جنبش کارگری فعلی میتواند از این موقعیت دریابد و برود به یک جایی که معترض است، اعتصابی است، و دخالت میکند؟ کلید این مساله بنظر من یکیش جنبش مجمع عمومی است. ببینید، اتفاقاً کارگر بطور تکی بشدت منزوی و ضعیف است. قدرت کارگر در تجمعش است، در تصمیم جمعی اش است. در خاصیت طبقاتی اش است. قدرت عضو کانون نویسندگان به جمعی اش نیست، به قلمش است. قدرت دانشگاه لزوماً به تصمیم جمعی اش نیست. ولی قدرت طبقه کارگر در تجمع و اتحادش است و مجمع عمومی آن ظرفیت که بدون اینکه ساختنش پپیچگی عیبی بخواهد، بدون اینکه لازم باشد دکترای سازماندهی کارگری بگیرد، میتوانی همه را در صحن کارخانه جمع کنی و بگی این مجمع عمومی کارخانه است و هر چه کارگران بگویند حرف آخر ماست. کسی را هم نمیتوانی تکی گیر بیاری تهدید کنی، اینها همه با هم تصمیم گرفتند. کی را میخواهی بزنی؟ کی را میخواهی بگیرد؟ کارفرما باید بیاید توضیح بدهد، سپاه باید از اینجا بیرون نداشتند باشد و بشود شاخه کارگری حکومت مصدق ایشان! اینست قضیه. کارگر باید بخواهد روی اقتدار دیگر تأثیر بگذارد، بخواهد جلو بروند، به جلو سوقشان بدهد، از تحرکشان استقبال کند، و بخودش مربوط بداند. در نتیجه این کارگر گرانی نیست که کارگر بخودش بگوید تو باید بیایی به صحنه و تا تو نیامدی به صحنه این جنبشها برد نمیخورد، توجه نکن و تو دنبال کار خودت باش، دنبال مزد خودت باش، چیزی که یک عده به اسم کارگر گرانی الان دارند میگویند. این چرا کارگر را میفرستد دنبال مزدش؟ برای اینکه به یک عده دیگری بگوید شما در کانون نویسندگان و در جبهه نوم خرداد تکه سیاسی مساله را جلو ببرید. کسی که میگوید من کارگرم و تکه سیاسی مساله را خورم میخواهم جلو ببرم طبعاً نمیتواند تمایلی به بی تفاوتی کارگر نسبت به شلوغی های خرم آباد و وقیع جدی دیگر و غیره داشته باشد، در نتیجه ایجاد حساسیت بر کارگر نسبت به اینها است و مقابله با جریانات اکتونومیستی که (اکتونومیست هم حتی لغت درخشانی است بنظر من) مقابله با جریانات

## بوزش از یک پرده...

بزرگوار بالا دست را ندانست، نمک خورد و نمکدان شکست! ما را چکار به نقد لیبرالیسم غربی، این را برای مرتجعین اسلامی بگذاریم! دول غربی هرچه باشد "لیبرال" اند. امر میفرمایند که اگر به کمپین آنها نمی پیوندم حداقل ساکت باشیم! اعلام میکنند که این کار، نقد دول غربی کاری احمدی نژادی است! چرا که وقت برای گفتن حقایق مربوط به جنایات دول غربی کم نیست. و بالاخره منتقد مربوطه دست در کیسه فرهنگ فرقه مجاهد کرده بر پیشانی هرکس که به انتخاب های سیاسی آنها گردن نگذارد مهر رژیمی زده است.

ما پیام "امر به معروف و نهی از منکر" این مبارز "مهاجر" و "مجاهد" را به صف مخالفین میلیتاریسم در ایراند که همین روزها بر سروروی بلر، نخست وزیر پیشین بریتانیا، تخم مرغ و کفش پرتاب کردند، خواهیم رساند، که خاتم ها و آقایان صبر کنید! الان وقت افشا دولت انگلیس نیست، حواس ها را پرت نکنید! بگذارید بلر را ارج بگذارند و بر مسندی بالاتر بنشانند، فعلا نهادم عراق را فراموش کنید! اعتراض به آن کار دیر نمی شود، فعلا نیروی همه باید صرف منافع "ملت" نیگری شود! اجازه دهید کمپین آقای کسرای و حزیش لطمه نخورد! و چنانچه به "امر به معروف" آنها لیبیک نگوئید به شیوه فرقه مجاهد طوق لعنت "طرفداری از احمدی نژاد" بر گردنشان میآویزیم. باید پیام آقای کسرای را به کارگران انگلیس و فرانسه رساند که فعلا دست نگاهدارید و دولت هایتان را تحت فشار اعتصابی که در راه است نگذارید، چرا که آن دول "محترم" و "لیبرال"، همراه آقای کسرای مشغول کمپین مشترکی هستند.

به راستی که ملیت پرستی، فارس یا ترک، عرب یا کرد، انگلیسی یا چینی،

دین و قضاوت کردن همه چیز جهان از زاویه "منافع خود" خودی که منافع و آزادیخواهیش آنقدر حقیر است که ناچارش میکند که بین "بد و بدتر"، بین ارتجاع شرق و غرب، بین منافع ملت بالا دست و پایین دست، یکی را انتخاب کند، تهوع آور است. منتقد چپ ناسیونالیست ما قادر نیست کیسه ای که دول مرتجع از "حمایت" از مردم کشور بغل دستی میوزند را تشخیص دهد. قادر نیست کینه و نفرت و جدایی ملی که بر اساس این "حمایت" ها تولید میشود را ببیند. تعجب نمیکند که چرا کارگر فارس در اعتراض به احمدی نژاد از کارگر عرب و فلسطینی فاصله میگیرد، وقتی بنام "کردگان فلسطینی" او را خفه و سرکیسه میکنند؟ چرا کارگر آمریکایی نباید از مردم بیگانه افغانستان زده شود وقتی بنام منافع مردم افغانستان، آنها را بیکار و بی مسکن میکنند؟

منتقدین شیفته لیبرالیسم غربی در کربلا سازی و محشر آفرینی روی زمین، در زمینه کسب و کار "مقتسات سازی" از انتخاب های سیاسی شان، از اسلامی ها و فرقه مجاهد خوب آموخته اند. کمپین مورد نظر آنها و عدم اطاعت ما از انتخاب سیاسی آنها، ناگهان ابعاد مالیخولیایی دیگری پیدا میکند و به اعدامهای دستجمعی ۶۷ و اعدام بهائیان ... کشیده میشود. تا بلکه از اعتبار و ما در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و قتل عامهایش از یک طرف اهرم فشاری بسازند، و از طرف دیگر از شکاف بین معتقدین به اسلام و بهائیت بهره برداری و از جامعه بهائیان علیه ما برای خود یاریگیری کنند.

نیم نگاهی به صحنه جهان، نگاهی به متحدین و دوستان و صف درهم ریخته جنبشهای "مترقی" و "ارتجاعی"، کار دشواری نیست. بخش اعظم جنبش ضد راسیستی و عدالتخواه در غرب و در کشورهای قربانی میلیتاریسم غرب، و

بنه اصلی جنبش ضد امپریالیستی، با همین استدلال آقای کسرای علیه تجاوزگری آمریکا در کنار ارتجاع اسلامی قرار میگیرند. و باز با همین استدلال کمپین مبارز ما، دست راستی ترین جریانهای سیاسی، بوش و بلر و سارکوزی با سرمایه گذاری بر روی مشقات و مصائب مردم جهان، در کنار عشاق سینه چاک دمکراسی در جنبشهای "ملل تحت ستم" و چپ ناسیونالیست آنها قرار میگیرند.

همه این ها برای چپ ناسیونالیست ما هیچ نیست. خشمگین است که ما چرا گوشه پرده را کنار زده ایم و نگاهی از شکاف در به درون انداخته ایم. اگر بیان یک فاکت، نشان نوری و نزدیکی سیاسی است و اعلام اینکه دول آمریکا و بریتانیا و اسرائیل خود از سردمدران نقض حقوق بشر اند، کسی را از نظر سیاسی در کنار ارتجاع اسلامی قرار میدهد، لابد برعکس اش هم صادق است. و معتقدین دولت ایران را هم کنار دولت های دست راستی جهان قرار میدهد! و یا شاید در صف ارتجاع، ارتجاع خوب و بد داریم. شاید موافق حمله به عراق بودن و در کنار بوش قرار گرفتن از موافق احمدی نژاد بودن برای تعدادی "بهتر" است؟ این بن بست و دو راهی شما است که به شما انتخابی را تحمیل کرده است! چرا من و همه جریانهای سیاسی که در بن بستن و شما در آن گرفتارید قرار نداریم، باید از شما اطاعت و به انتخاب شما لیبیک بگوئیم؟ این دیگر چه فرماتی است؟ از کدام مقام "مقدس" و غیر قابل سرپیچی صادر شده است؟

برای جنبشی که ناچار است بین دو ارتجاع انتخاب کند، بین بورژوازی خوب و بد، انتخاب کند، راه دیگری نمی ملند. نمی خواهید در کنار اعتراض مردم مترقی و طبقه کارگری که از تعرض این دول به فغان آمده است قرار بگیرید، حق و انتخابتان

است. این تصور که کمونیستها نمیتوانند بروند برای قدرت تا وقتی کارگران قبالا سیاسی شده باشند و تا جامعه را با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی فلج کرده باشند، اشتباه است، این نه فقط اشتباه است، کلاهبرداری است. یک کلاهبرداری قدیمی ملیون است، این کلاهبرداری قدیمی لیبرالهاست که همیشه خواستند کمونیست را دنبال خود سیاه بفرستند و هفتاد هشتاد سال هم موفق شدند. این حزب کمونیست کارگری اگر نماینده چیزی باشد نماینده اینست که کمونیستهای هستند که کلاه سرشان نمیروند، یا نمیخواهند بگذارند کلاه سرشان برود. در نتیجه با همه توجهی که به جنبش طبقه و قدرت سیاسی میکنیم، بخش واقعی از جنبش طبقه کارگر جنبش کمونیستی است. و اینکه این جنبش چه میکند تاثیر دارد بر اینکه طبقه بطور عموم چه میکند تاثیر

اگر بشود باید انداخت. حزب کمونیست کارگری هر وقت به نیروی خودش، نمیدانم چندان کارگر است و چنداناش خواننده اپرا است یا هر چی، هر وقت به نیروی خودش بتواند جمهوری اسلامی را ساقط کند، ساقط میکند. معنای این را بعد از ضربه ای که ممکن است به همت احزابی مثل ما به جمهوری اسلامی وارد بشود باید به کارگران گفت. تصرف تهران ممکن است بدون شرکت کارخانه ها انجام شود، بالاخره با نیروی ارتش کارگری هم انجام شود، احزابی سازمانش داده اند، فردای آن تصرف، فردای گرفتن قدرت، هر ناظری میتواند ببیند کارگر تو آن جامعه چه جایگاهی در رابطه با قدرت دارد و چقدر قدرت به کارگر مربوط است و چقدر کارگر مدافع حکومت است، و چقدر حکومت پایه اش روی در میدان ماندن کارگر

## مبارزه سیاسی و اقتصادی...

ناسیونالیست و لیبرالی که میخواهند کارگر کارگر باشد، همانطور که میخواهند برای مثال زن فقط زن باشد و در سیاست شرکت نکند، یا برای مثال میخواهند دانشجو دانشجو باشد، میخواهند کارگر هم فقط کارگر باشد و دخالت در سیاست نکند، مقابله با این افراد وظیفه حزب کمونیست کارگری است.

## ۴- حزب و قدرت سیاسی

یک نکته دیگر، ببینید ما میگوئیم حزبی هستیم که میخوایم بطور بالفعل حزب طبقه کارگر باشیم، ولی معنیش این نیست که ما صبر میکنیم تا کارگران یک روزی به خیابان بیایند و بما بگویند چکار کنیم. دیروز گفتیم، حکومت مرتجع اقلیت عقب مانده را با یکطرف هم

## نشست دفتر سیاسی حزب

## کمونیست کارگری - حکمتیست

روزهای ۱۳ و ۱۴ شهریور ۱۳۸۹ (۵ و ۵ سپتامبر ۲۰۱۰) نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست با شرکت اکثریت اعضای دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کورش مدرسی برگزار شد. گزارش عمومی کارکرد هیات دبیران حزب با تمرکز بر گزارش تدارک فنی و سیاسی کنگره چهارم حزب توسط کورش مدرسی و خالد حاج محمدی به اطلاع نشست رسید.

پس از اظهار نظر و بحث درباره گزارش، دستور نشست تصویب شد و از میان مباحث دستور، موارد زیر بررسی گردید:

۱- پروژه تدارک کنگره آتی حزب.

۲- چشم انداز فعالیت و سازمان حزب در کردستان (با معرفی رحمان حسین زاده).

۳- اوضاع سیاسی ایران و موقعیت حزب حکمتیست (با معرفی ثریا شهبلی).

۴- رهبری حزب بعد از کنگره (با معرفی اسد گلچینی).

## دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۱۶ شهریور ۱۳۸۹ - ۷ سپتامبر ۲۰۱۰

است. ما به این انتخاب احترام نمی گذاریم. فشار مقدمات تراشی شما هم روی ما کار نمی کند.

ای کاش نیرویتان را صرف نجات آن زن بخت برگشته ای میکردید که در چنگال جمهوری اسلامی اسیر است و آن را دستمایه تحمیل انتخاب سیاسی نامیونتان نمی کردید.

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.helmatist.com



کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید